

جستار و تحلیلی در باب رویداد «انقلاب دوم»

## پایگاهی که سرنخ جدایی طلبی را در دست داشت

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به حاشیه و متن رویداد تسخیر لانه جاسوسی امریکایه عنوان یکی از وقایع شاخص و جهت دهنده تاریخ انقلاب اسلامی پرداخته است. این

پژوهش توسط احمدرضا شاه علی انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن مبادرت کرده است. ناشر در دبیاچه خویش را به کار گرفت تا این انقلاب آن نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است:

«در شکل‌گیری حادثه تسخیر لانه جاسوسی امریکا، عوامل متعددی مؤثر بودند. همه این عوامل، از عملکرد دولت امریکا در برابر انقلاب اسلامی ایران متأثر بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ه‍.ش که با خواست و حضور قاطع ملت ایران و به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به وقوع پیوست، دولت امریکا از مداخله در امور ایران دست برداشت و به جای آنکه از حوادث انقلاب درس بگیرد، تمام امکانات و ارتباطات خود را به کار گرفت تا این انقلاب نوپا را شکست دهد یا در حرکت آن انحراف ایجاد کند.

بر این اساس، در طول ۹ ماه- از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸- بحرکت‌های توطئه‌آمیزی را در سراسر کشور علیه‌انقلاب هدایت کرد. در این وقایع به گونه‌ای آشکار، دست امریکایی‌ها دیده می‌شد و سفارت این کشور، مرکز جاسوسی و ستاد فرماندهی برای سازماندهی حرکت‌های تفرقه‌افکنی و تجزیه‌طلبانه شده بود. در همین مدت، حرکت‌های تجزیه‌طلبانه با عناوینی چون خلق غرب در خوزستان، خلق کرد در کردستان، خلق ترکمن در آذربایجان و… در اطراف واکتاف کشور، برای انقلاب مشکل ایجاد می‌کردند. قرآن‌شان می‌داد که سرنخ همه این جریان‌ها در



▲ آبان ۱۳۵۸

دانشجویان برپامسافرت تسخیر شده امریکا

■ **انوشه میر مرعشی**
امروز در جهان سیاست به شکل مسلم و واضح، سازمان موسوم به مجاهدین خلق ایران (منافقین)، به عنوان یکی از اصلی‌ترین گروه‌های برانداز و دشمن نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. گروهی که تروریستی بودن آن برای همگان واضح و حتی از سوی سوان کشورهای غربی هم این امر غیرقابل کتمان است. دیگر اینکه از تباط و وسیع و عمیق این گروه فرقه مانند، با سازمان سیا به عیان روشن است. اما اینکه چطور رهبران این سازمان که روزگاری در عداد گروه‌های چپ و ضدامپریالیست بودند، در طول زمان چرخش موضع سیاسی پیدا کرده و در سال‌های بعد به مأموران خوب امریکایی بدل شده‌اند را در مقال پی آمده و بیامروز برخی حوادث تاریخی، مورد بازخوانی قرار داده‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

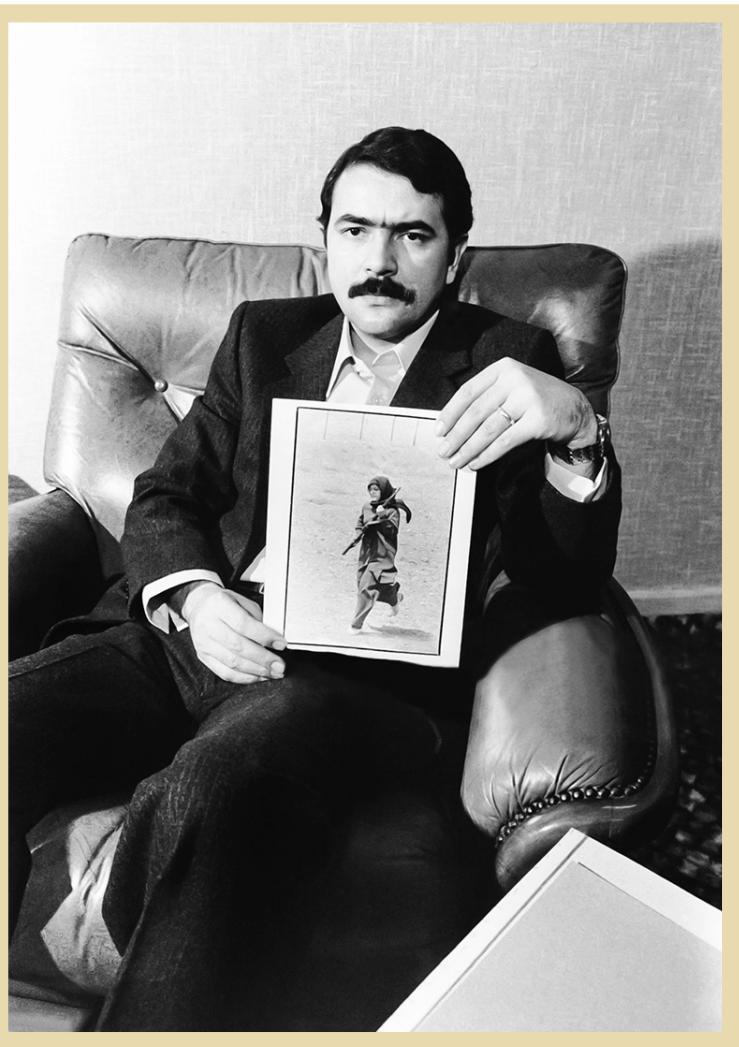
■■■

■ **رهبر «رادیکال چپ» سازمان و برادر لیبرال دموکراتش**

انگیزه رهبران اولیه سازمان موسوم به مجاهدین خلق برای مبارزه با رژیم پهلوی، انگیزه‌های کاملاً دینی بود، اما پس از دستگیری و اعدام آنها رهبران بعدی که شامل تقی شهرام، موسی خیابانی، مسعود رجوی و… می‌شدند، زمینه‌انحراف کامل عقیدتی و سپس تغییر ایدئولوژی و «مارکسیست -لنینیست» شدن سازمان را به وجود آوردند. این تغییر اندیشه و شی، البته به این بهانه انجام شد که از نگاه رهبران جدید سازمان، اسلام راهکار و اندیشه مبارزاتی نداشته و برای مبارزه با رژیم پهلوی، لازم است که اندیشه مارکسیستی جایگزین تفکر اسلامی شود تا بتوان به پیروزی رسید! در ضمن این رهبران جدید و از جمله شخص رجوی، در همان زمان معتقد بودند برای اخذ چوه شرعی و پول از علما و مذهبیین بهتر است حفظ ظاهر کرد و مارکسیست شدن سازمان را علنی نکرد!

## پیرویز ثابتی در کتاب خاطراتش درباره کاظم رجوی

است: «من در مسافرتیم به سوئیس، بر اساس معرف‌های قبلی با دکتر کاظم رجوی ملاقات و بعد از ارزیابی، وی را به استخدام ساواک با مقرری هزار فرانک سوئیس در ماه در آوردم! زمانی که برادر وی مسعود رجوی به همراه دوستانش محکوم به اعدام شده بود، با تماس تلفنی کاظم رجوی و اصرار وی، موضوع را به عرض شاه رساندم و بالاخره ایشان با یک درجه تخفیف رضایت دادند…»



۱۳۶۰، مسعود رجوی در بی‌قرار از ایران

## درد

شاید بتوان ادعا کرد که بزرگ‌ترین نقطه مشترک کاظم و مسعود رجوی، «جاه‌طلبی و قدرت طلبی» عجیب این دو برادر بوده است. جاه‌طلبی‌ای که موجب می‌شد، هر دو برای رسیدن به قدرت و مقام دست به هر کاری بزنند. بر اساس اسناد ساواک، کاظم رجوی به رغم اینکه خود را در ظاهر مخالف سلطنت محمدرضا پهلوی نشان می‌داد، اما همکاری وسیعی با ساواک داشت، پرویز ثابتی - رئیس ساواک از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، شمسی- در کتاب خاطراتش درباره کاظم رجوی بیان داشته است: «من در مسافرتیم به سوئیس، بر اساس معرف‌های قبلی با دکتر کاظم رجوی ملاقات و بعد از ارزیابی، وی را به استخدام ساواک با مقرری هزار فرانک سوئیس در ماه در آوردم! زمانی که برادر وی مسعود رجوی به همراه دوستانش محکوم به اعدام شده بود، با تماس تلفنی کاظم رجوی و اصرار وی، موضوع را به عرض شاه رساندم و بالاخره ایشان با یک درجه تخفیف رضایت دادند…»<sup>(۱)</sup>

در واقع به این شکل، کاظم رجوی همکاری خود را با ساواک با مقطع پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌دهد و صد البته که این تنها کاظم نبود که با

ساواک همکاری می‌کرد، بلکه برادر وی مسعود

هم به خاطر نجات پیدا کردن از اعدام در جریان

ضربه ۱۳۵۰، ش.و دستگیری رهبران سازمان،

همکاری خود با ساواک را به شکل پنهانی آغاز

کرد.<sup>(۲)</sup> آن هم در حالی که اعضای سازمان و حتی

بخشی از مبارزان مسلمان، وی را همچنان

مبارزی استوار در مخالفت با رژیم پهلوی و مانند

یک اسطوره نگاه می‌کردند!

■ **برادران جاه‌طلب، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی**

امریکایی آن چه وجه مشترکی با برادر «رادیکال چپ و ضدامپریالیست» خود داشت؟

■ **برادران رجوی در خدمت ساواک**

شاید بتوان ادعا کرد که بزرگ‌ترین نقطه مشترک کاظم و مسعود رجوی، «جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی» عجیب این دو برادر بوده است. جاه‌طلبی‌ای که موجب می‌شد، هر دو برای رسیدن به قدرت و مقام دست به هر کاری بزنند. بر اساس اسناد ساواک، کاظم رجوی به رغم اینکه خود را در ظاهر مخالف سلطنت محمدرضا پهلوی نشان می‌داد، اما همکاری وسیعی با ساواک داشت، پرویز ثابتی - رئیس ساواک از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، شمسی- در کتاب خاطراتش درباره کاظم رجوی بیان داشته است: «من در مسافرتیم به سوئیس، بر اساس معرف‌های قبلی با دکتر کاظم رجوی ملاقات و بعد از ارزیابی، وی را به استخدام ساواک با مقرری هزار فرانک سوئیس در ماه در آوردم! زمانی که برادر وی مسعود رجوی به همراه دوستانش محکوم به اعدام شده بود، با تماس تلفنی کاظم رجوی و اصرار وی، موضوع را به عرض شاه رساندم و بالاخره ایشان با یک درجه تخفیف رضایت دادند…»<sup>(۱)</sup>

در واقع به این شکل، کاظم رجوی همکاری خود را با ساواک با مقطع پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌دهد و صد البته که این تنها کاظم نبود که با ساواک همکاری می‌کرد، بلکه برادر وی مسعود هم به خاطر نجات پیدا کردن از اعدام در جریان ضربه ۱۳۵۰، ش.و دستگیری رهبران سازمان، همکاری خود با ساواک را به شکل پنهانی آغاز کرد.<sup>(۲)</sup> آن هم در حالی که اعضای سازمان و حتی بخشی از مبارزان مسلمان، وی را همچنان مبارزی استوار در مخالفت با رژیم پهلوی و مانند یک اسطوره نگاه می‌کردند!

■ **برادران جاه‌طلب، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی**

با پیروزی انقلاب اسلامی و در مقطعی که سازمان موسوم به مجاهدین خلق، طی اطلاعیه‌ای آغاز فعالیت علنی خود را آن هم با محکومیت بی‌بنیه تغییر ایدئولوژی و با تکیه بر مشیی دینی اعلام کرد، زمینه‌چینی مسعود رجوی برای فرارگیری در رأس حرم قدرت در کشور آغاز شد. البته در کنار وی برادرش کاظم رجوی نیز با نزدیک کردن خود به اعضای نهضت آزادی و دولت موقت، به نوع دیگری سعی کرد تا منصبی در حکومت جدید برای خود دست و پا کند. با این همه در ماجرای دستور امام خمینی مبنی بر خلع سلاح همه گروه‌های سیاسی، چون رهبران سازمان مجاهدین خلق حاضر به تمکین به این فرمان نبودند و متوجه شدند که عملاً زایوه سازمان با نظام جمهوری اسلامی دارد برای مردم علنی می‌شود. از این روی رهبران سازمان، صالح‌را در این دیدند که برای به دست آوردن اعتماد مردم و نگه داشتن ظاهر امر، حتماً دیداری با امام خمینی داشته باشند. به همین دلیل کارم مرکزی سازمان، از دفتر امام تقاضای ملاقات گفتند سازمان مواضع اعتقادی خود را به صورت رسمی اعلام کند و پس از آن ملاقات انجام شود. سازمان نیز پس از آن در بیانیه‌ای در قالب ادبیاتی کاملاً سنتی اعلام کرد: «را کارن مجاهدین همان ارکان عقیدتی دی اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی عشری است. همان تشیع علوی و همان ارکان عقیدتی قرآن…» و اصلاح هم لزومی ندیدند که در این بیانیه هیچ اشارهای به این موضوع کنند که برداشتن نام از آیات قرآن و فقه جعفری، برداشت‌های کاملاً اسلام و مراجع عظام تقلید است. با این همه امام خمینی که از سال‌ها پیش بر القاطن فکر کرده حاکم بر این سازمان آگاهی داشتند، به امید اینکه سران آنها را اصلاح کنند یا لاقلاً انعام حتی با آنها داشته باشند، چند تن از سران این سازمان -از جمله رجوی، خیابانی، احمدی و داوری- را در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، ش.به ملاقات پذیرفتند.

۳- نقل قول: رجوی رساله دکتری‌ای خود را تحت عنوان «رویز یونیسسم در نظریه حکومت: مطالعه مواضع شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی» تنظیم کرد. من از او پرسیدم که از نظر سیاسی چگونه خود را معرفی می‌کنند؟ وی جواب داد «یک لیبرال دموکرات به مفهوم امریکایی آن.»
۴- نقل قول: حکومت شاه، برادر وی را به زندان محکوم نمود. رجوی با دوستان غربی خود که به نجات زندگی برادرش کمک کردند، جمعی تشکیل دادند. او می‌خواهد که ایران از لحاظ سیاسی بدون تبعهد باشد، اما می‌گوید که دولت بازرگان و او، هر دو برای ایالات متحده احترام بسیار قائلند و در جست‌وجوی راه‌های برقراری مجدد روابط خواهند بود.»<sup>(۳)</sup>

در این سند مأمور امریکایی، کاظم رجوی را یک لیبرال دموکرات، با افکار کاملاً امریکایی معرفی می‌کند، اما این رجوی لیبرال دموکرات به مفهوم به مجاهدین خلق به این دلیل که در روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، به شکل وسیع با حمله به مراکز شهربانی و ساواک، اسناد زیادی را در دیده و البته با نفوذی که در مراکز حساس کرده بودند، به راحتی به این اسناد دسترسی داشت.<sup>(۴)</sup> از این مقطع، رسماً بیانیه‌نویسی‌های سازمان در ارگان‌های مطبوعاتی‌شان از جمله روزنامه «مجاهد» علیه نظام جمهوری اسلامی آغاز شد و تقابلی سرد کلید خورد.

■ **ناکامی‌های ۲ برادر، برای ماندن در قدرت**

با فرار رسیدن زمستان سال ۵۸ و نزدیک شدن ایام برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری، مسعود رجوی خود را برای نامزدی در این انتخابات آماده کرد. اما بعد از اعلام نظر امام خمینی درباره عدم صلاحیت کسانی که خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری کرده، اما به قانون اساسی رأی نداده‌اند، مسعود رجوی مجبور شد به دلیل تحریم همه‌بررسی قانون اساسی

و رأی ندادن به آن از دور رقابت کناره‌گیری کند.<sup>(۵)</sup> سپس رجوی برای به قدرت رسیدن، خود را به دیگر نامزد انتخابات یعنی ابوالحسن بنی‌صدر - که شدیداً جاه‌طلب و از دوستان خاص امریکایی‌ها بود- نزدیک کرد. بنی‌صدر هم البته در مقابل از اینکه با سازمان مجاهدین خلق همکاری کند و با یک سازمان میلیشایی به جنگ تفکرات اسلام انقلابی امام خمینی برود، بسیار خوشحال بود. او در یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش، اینطور برای رجوی پیام محبت و ارادت فرستاد: «یکی از برنامه‌ها، زویند بازی‌هاست. عده‌ای آمده‌اند و در مقابل من، دو نفر را علم کرده‌اند و ظاهرآ قصدشان این است که به وسیله یکی از اینها مقابل من سدی ایجاد کنند و مشکلاتی به وجود بیاورند… اما به استثنای مسعود رجوی، کاندیداهای دیگر کوچک‌ترین پایگاهی در میان ملت نداشتند و اینها با شایعات می‌خواهند مرا خراب کنند تا زمینه برای خودشان فراهم شود…»<sup>(۶)</sup>

یک ماه بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و رأی آوردن ابوالحسن بنی‌صدر، یک‌بار دیگر رجوی برای اولین دوره مجلس شورای اسلامی یخت خود را آزمایش کرد و به همراه تعدادی از اعضای اصلی سازمان، نامزد این انتخابات شد. اما بعد از برگزاری انتخابات و رأی نیاوردن هیچ کدام از کاندیداهای سازمان و سرخوردگی شدید رجوی به خاطر رأی آوردن نامزدهای حزب جمهوری اسلامی، وی و سازمان‌ش راه را برای در هرم قدرت ماندن، تنها در همراهی با بنی‌صدر دیدند. همراهی که موجب اتصال وی به سازمان سیا به شکل مستقیم شد. همراهی رجوی و سازمانش با بنی‌صدر ادامه داشت تا اینکه غائله چهارم اسفند ۱۳۵۹، ش. در اتفاق افتاد. بنی‌صدر تصمیم گرفت در سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق،

یعنی روز ۱۱ اسفند ۱۳۵۹، ش. در دانشگاه تهران سخنرانی کند. مراسمی که با سخنان تحریک‌آمیز وی، به درگیری طرفداران بنی‌صدر و عناصر میلیشیای سازمان مجاهدین با جوانان انقلابی انجامید و تبعات زیادی را برای وی و طرفدارانش به دنبال داشت.<sup>(۷)</sup> انتقادات به آن غائله، در نهایت به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب منجر شد و پس از بررسی‌های بسیار و به ویژه بعد از اذعان نماینده بنی‌صدر در آن کمیته به مقصر بودن وی و طرفدارانش در غائله ۱۴ اسفند، نمایندگان مجلس طرح عدم کفایت سیاسی وی را در مجلس شورای اسلامی به تصویب رساندند و بعد از آن با صدور حکم عزل بنی‌صدر از سوی امام خمینی، سازمان موسوم به مجاهدین خلق به نظام جمهوری اسلامی رسماً اعلام جنگ مسلحانه کرد و به این ترتیب، با فرار بنی‌صدر و رجوی از کشور، عملاً سازمان به عنوان ابزاری در دست سازمان سیا، به عنوان یکی از اصلی‌ترین گروه‌های برانداز نظام جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل قرار گرفت. جالب اینجاست که مشابه همین سرنوشت، برای کاظم رجوی نیز اتفاق افتاد، زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کاظم رجوی با حکم کریم سنجابی وزیر امور خارجه دولت موقت، همسده‌دار نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو و پس از آن در دولت بنی‌صدر، سفیر ایران در کشور سنگال شد. اما در آخرین روزهای اردیبهشت ۱۳۶۰، ش، خبری در رسانه نشر یافت مبنی براینکه یکی از کارمندان کتسب کنسولی وزارت خارجه که در امور اسناد افراد پاکسازی شده وزارت خارجه مسئولیت داشته، همراه با فردی به نام مرضی فضلی‌نژاد به اتهام سرقت و خروج غیرقانونی برخی اسناد دستگیر شده‌اند. کمی بعد هم مشخص شد که یکی از آن اسناد، مربوط به عنوان کاردار خدمت می‌کرده است. روزنامه‌ها در همان زمان نوشتند کاظم رجوی عضو افتخاری ساواک بوده و با اسم رمز «هفا» و دو شماره کد فعالیت می‌کرده است.<sup>(۸)</sup> به این ترتیب و با افشای ماهیت کاظم رجوی، وی مجبور شد از عرصه قدرت کنار برود و با فرار به فرانسه و تا زمان کشته شدنش به دست ناصر نامعلوم، رسماً به عنوان عامل سیا و جزئی از براندازان نظام جمهوری اسلامی باشد.

■ **منابع:**

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «اسناد لانه جاسوسی»، مجموعه ۱۱ جلدی، چاپ ۱۳۸۶، ش، جلد ۳، ص ۱۷۶

۲- همان، جلد ۳، ص ۴۴۵

۳- قالعی فرد، عرفان، «دامه حادثه»- گفت‌وگو با پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک- نشر کتاب، چاپ اول ۱۳۹۰، ش، ص ۲۸۲

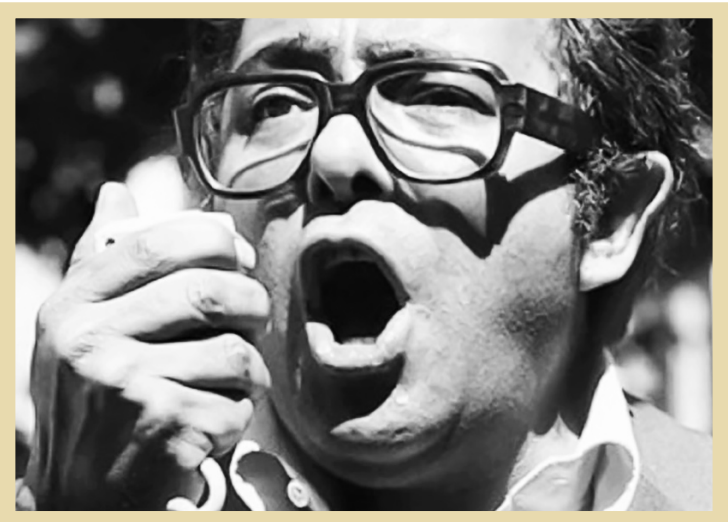
۴- به طور مثال در سندی به شماره ۳۱۲۱۶۵۵ که در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۵۱، ش توسط سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تنظیم شده، از تشید نصیری از همکاری مسعود رجوی با ساواک به رئیس داد‌گاه از تش تیمسلر عظیمی گزارش می‌دهد.

۵- سازمان مجاهدین خلق (بی‌دایی تارفا، ج ۲، صص ۳۷۹ و ۳۸۰

۶- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به روزنامه مجاهد، شماره ۲ مورخ ۲ بهمن ۵۸، صص ۵۸۱ و ۱۱ و ۲۷ روزنامه کیهان، شماره ۱۰۹۱۱، مورخ ۲ بهمن ۱۳۵۸، ش، ص ۱

۸- غلله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ (ظهور و سقوط ضد انقلاب)، چاپ دادگستری جمهوری اسلامی ایران، چاپ ۱۳۶۴، ش، صص ۳۸۱، ۴۳۷، ۴۶۷، ۴۹۳ و ۶۷۶

۹- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۶۶ مورخ پنج‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰، ش، صص ۹۵۱



کاظم رجوی، برادر مسعود رجوی